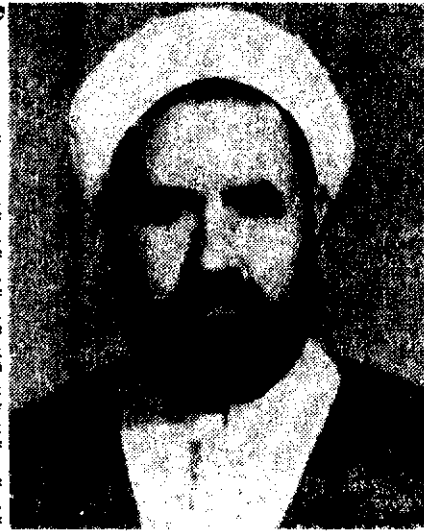


بسم الله الرحمن الرحيم

در شماره قبل نظریات مختلف در پیدایش دین بدین صورت بیان شد که ابتدا می‌گفتند که علت پیدایش دین جهل بشر نسبت به عوامل طبیعی بوده است و بعد نظریه وحشت هم بر آن اضافه شد و آن نظریه را تکمیل تر کرد و بعد نظریه دیگری که مربوط به مارکسیستها بود عنوان شد که اگر جهل برود، اگر ترس بریزد و اگر مالکیت حل شود، دین خود به خود از بین می‌رود، در حالیکه واقعیت غیر از این را نشان میدهد و بعد نقلی بر آنها ذکر شد، اکنون دنباله آن نظریات، نظرات دیگری را که در بیان علل پیدایش مذهب است، بازگو میکنیم.

نظریه دیگر، نظریه روانکاوانه است و نظریه جهالت و وحشت را باید نظریه روانشناسانه دانست و در حالیکه نظریه مارکسیستی را نظریه اجتماعی و اقتصادی می‌دانند ولی فروید درباره دین نظریه روان‌کاوانه داشته است. حال بینم که نظریه روانکاوانه چیست؟ اگر رجوع شود به مجله نگین در اول تیرماه یا آخر خرداد، یکی از توده‌ای‌های سخت‌نم انور خامه‌ای که شدیداً سابق از مارکسیستها دفاع میکرد، چندمقاله پشت سر یکدیگر درباره پراکسیست بحث میکند تا میرسد به مذهب و در آنجا تمامی نظریه مارکس را جمع به مذهب مطرح و رد میکند و آن آخرین نظریه‌ای را که قبول میکند نظریه دور که است. عقیده دارد که دین را نمی‌توان از بشر گرفت همانطور که فلسفه را از بشر نمی‌توان گرفت. بنابراین با جنگ جهانی دوم، در باب روانشناسی یک تحول خیلی عمیقی در این فاصله بوجود آمد. آن نظریات سطحی که در قبل وجود داشت منبطل شد. قبلاً عقیده بر این بود که مسائل روانی ساده است و فکرات انسان خاصیت مستقیم اعمال مغزی اوست و می‌گفتند که فکر همانطور که مغز بیرون می‌آید که صفر از کتب مسائل روانی را حالت بدنی می‌دانستند، و حسی معتقد بودند که صفات اخلاقی و تمام اینها را پزشکی میتواند رفع کند. مثل فرض برای رفع حسادت و عمل دراجی برای بخل و حسد و غیره. با استخراج عقده‌ها از دل، که این اعتقاد تا آنکس که می‌خواستند روح را زیر جاقوی جراحی ببینند، بود اما در ۵۰ یا ۶۰ سال پیش مسائلی پدید آمد که حتی مسائل روانی را شناخت به حال عمل دنیای روان یادنیای تن گرچه باهم مرتبطند در عین حال هریک استقلال ویژه خود دارند، سپس مسائل



مطلب منتشر نشده ای از استاد شهید

روحي از قبيل تلقين كم كرم ارزش يافت يعنى قدرت تلقين كه صدرصد فكري دروانى است و مسأله خواب مغناطيسى و همچنين هيپنوتيزم و القاي فكر خود مسأله مستقلى شد و افردى كه داراي بيماريهاي نظير صرعى وروانى بودند از طريق هيپنوتيزم درمان ميكردند يعنى آنها كز خواب مغناطيسى فرو مى بردند و بعد شخص مريض در عالم خواب آنچه در دل پنهان داشت ندانسته اظهار مى كرد، حتى قبل از فرويد هم معتقد بودند كه انسان يك دستگاه شعورى دارد غير از شعور ظاهر و آن شعور باطن و عمقى است يعنى انسان دو فرد است يكى آن جنبه كه خود را مى شناسد و دوم من ديگرى است كه از خود انسان مخفى است و خود را نشان نمى دهد مگر در عالم رويا ويا لغزشهاي زباني. بدين ترتيب علم روانكاوى پديد آمد يعنى آنچه در باطن است بايد كاويد، و علمى كه زير پرده را نشان مى دهد و فرويد اين نظريه را بيان داشت كه ريشه دین را بايد در روان ناخودآگاه سراغ گرفت.

نظریه فروید درباره دین

در اینجا فروید هم بنویس خود فرضیه ای درباره پیدایش همه سنون متعالی انسان دارد و اختصاص تنها به مذهب ندارد از قبیل هنر و فلسفه و اخلاق...

و باز همچنان گفتیم که در قرن نوزدهم در روانشناسی، انقلابی بوجود آمد که مربوط به کشف روان ناخودآگاه بود و البته این جهت قبل از فروید هم کشف شده بود و تدریجاً علامت این مسأله، در روانشناسی بوجود آمده بود که انسان ضمیر نهفته تر از ضمیری که خود می‌شناسد دارد و آن ضمیر را حتی درباره خود نمی‌داند و هر چند که میان ضمیر ناخودآگاه و ضمیر آگاه مرز و جانی موجود است ولی احیاناً از ضمیر ناخودآگاه چیزهایی به ضمیر خودآگاه می‌آید، اما بصورت مبطل و مایس، مانند کشوری که دارای افراد ناسازگاری باشد و بعد وقتیکه از طرف مأمورین کشور آن افراد تحت تعقیب قرار می‌گیرند و اگر در دستگیری آنها شدت مجازاتی باشد آن افراد تحت تعقیب به هر جای مخفی می‌گریزند تا سیر نیروی حاکم نگردد، ولی فروید

کلام جدید

نظریات روانکاوانه در پیدایش مذهب

* مقارن جنگ جهانی دوم عده‌ای معتقد بودند که صفات اخلاقی و تمام مسائل روانی را علم پزشکی میتواند رفع کند مثل فرضی برای حسادت و عمل جراحی برای بخل و حسد و غیره. با استخراج عقده‌ها از دل، که این اعتقاد تا آنکس که می‌خواستند روح را زیر جاقوی جراحی ببینند، بود اما در ۵۰ یا ۶۰ سال پیش مسائلی پدید آمد که حتی مسائل روانی را شناخت به حال عمل دنیای روان یادنیای تن گرچه باهم مرتبطند در عین حال هریک استقلال ویژه خود دارند، سپس مسائل به آزاد شدن دارند و قانون جلوگیری

است!!

معتقد است برخی از میل‌ها که می‌خواهند تظاهر و بروز داشته باشند از طرف ضمیر آگاه که مخالف با عقاید و آداب اجتماعی است سانسور می‌شوند مانند عفت و اختصاصی بودن زن از نظر قانون که همه اینها به عقیده فروید برخلاف خواست ذاتی انسان است این تمایلات می‌خواهند آزاد باشند و برای آزادی در پی میدان و مجال ظهورند ولی جامعه از بروز آن جلوگیری می‌کند و حتی اگر این تمایلات در ذهن انسان هم بیاید. انسان از ترس آنها را به واپس ضمیر خود می‌راند و همانطور که افراد ناسازگار مجال بروز و ظهور در کشور را ندارند و از ترس قانون مخفیانه از مرز خارج میشوند

این تمایلات هم مجال بروز ندارند و از مرز ضمیر خودآگاه گریخته و به ورای مرز ضمیر ناخودآگاه می‌روند و بعد از گریز در پشت مرز به فعالیت خود ادامه میدهند تا به داخل قلمرو ضمیر خودآگاه ظاهر شوند و چون مجال ندارند دست به ابتکار میزنند یعنی برچهره خود ماسک زده مانند کسانی که با لباس مبدل و شناسنامه جعلی و گریم کرده بداخل کشور می‌آیند این حالات هم بداخل قلمرو ضمیر خودآگاه آمده ولی برخلاف گذشته فعالیت‌های قلبی خود را دنبال نمی‌کنند بلکه فعالیتشان را بصورت دیگری ادامه میدهند. فروید تکیه‌اش بر همین رانده شدن حالات از ضمیر آگاه به ناخودآگاه است و هرچند دیگران در گذشته به قلمرو ضمیر ناخودآگاه پی برده بودند اما اینکه این حالات و تمایلات سرکوب شده از ضمیر خودآگاه گریخته و در ضمیر ناخودآگاه بگونه‌ای دیگر تجلی و بروز می‌کند. کشف و ابتکار فروید است.

به عنوان مثال اخلاق که ما از ارزشهای اخلاقی می‌نامیم و کمال انسان را در ارزشهای انسانی و اخلاقی میدانیم وقتی افراد را مانند ابودر و معاویه از یکدیگر تفکیک می‌کنیم باهمان معیارهای اخلاقی و خلیقات و روحيات آنهاست نه ظواهر آنها، مثلاً می‌گوئیم ابودر گرایش داشت که درباره نفع فرد نمی‌اندیشید بلکه برای نفع جامعه فداکاری میکرد و معاویه برعکس، به نفع شخصی خود توجه داشت، فروید درباره افرادی چون ابودر معتقد است که ابودر مانند معاویه است به این تفاوت که معاویه

در زندگی انسانی و در کارش موفق بوده، ولی ابودر عنصری ناکام و محروم در جامعه بوده است و آنچه را که نفس اماره‌اش میخواست آنها را تأمین نکرده، بلکه با ملاحظه جامعه تمایلاتش را سرکوب نموده و آنها را به ضمیر ناخودآگاه خود رانده است آنگاه این تمایلات بصورت زهد و خیرخواهی تغییر چهره دادند. پس همه این فداکاریها تجلیات همان شهوات واپس رانده

مظهر عظمت خانواده بود سرپرستی دیگران را به عهده داشت سپس این شخص بحکم طبیعت جنسی خود تمام جنس‌اناث را بخود اختصاص داد ولی این اختصاص موجب طغیان افراد تحت سرپرستی او شد که از او می‌ترسیدند و بدو نفرت داشتند بعد علیه وی توطئه کردند و بدین ترتیب پسرها پدر را کشتند و اولین اده این چنین کشته شد سپس پشمان شدند و وقتی که به زنها

* فروید درباره افرادی چون ابودر معتقد است که ابودر مانند معاویه است با این تفاوت که معاویه در زندگی انسانی و در کارش موفق بوده ولی ابودر، عنصری ناکام و محروم در جامعه بوده است



شده‌اند نه چیز دیگر. فروید تمامی نبوغها را در ناکامان در عشق جنسی و سرکوبی از شهواتشان می‌بیند و اخلاق و هنر و علم را شهوت راه گم کرده می‌داند، و تمام مقدسات و تجلیات انسان را از دیدگاه شهوات جنسی توجیه می‌کند و بعد یکی دیگر از اموری را که از دید خود توجیه می‌کند مذهب است او میگوید مذهب نتیجه رانده شدن شهوات انسانهای ابتدایی و حتی معاصر است و همچنین می‌گوید که بشرهای اولیه بصورت اشتراکی زندگی می‌کردند و یک نفر که رئیس و

رسیدند پیشانی و ناراحتیشان بیشتر شد که چرا باید برای رسیدن به شهوات جنسی پدر خود را بکشند و از همین جا بود که از زنان گریزان شدند و در آنها حس تقدیس پدری‌روز و ظهور کرد و اولین پرستش بشکل پدرپرستی بود و بعد به مقدسات مذهبی دیگر کشیده شد.

بنابراین فروید درباره ضمیر ناخود آگاه میگوید جانی است که در آن هیچ چیز جز تمایلات رانده شده و سرکوب شده شهوات انسان وجود ندارد. در اینجا نظریه دیگری از شاگردان فروید اظهار شده منبئ بر آنکه درست است که تمایلات رانده شده از ضمیر خودآگاه به ضمیر ناخودآگاه رفته و در آنجا تغییر چهره داده و بصورت دیگر متجلی میگردند اما نمی‌توان بطور مطلق تمامی آثار و تجلیات انسانی را منحصر و منبئت از تمایلات شهوانی بشری دانست بلکه آثار ارزشمندی متعلق به انسان است که ذاتاً ارزش دارد و چهره مبدل هم ندارند مانند اینکه عده‌ای محکوم بصورت مبدل از مرز وارد کشوری شوند وعده‌ای هم خارجی از مرز می‌آیند که با افراد ناسازگار هیچگونه ارتباطی ندارند که آن افراد خارجی همان حالات فطری انسان است نه تمایلات سرکوب شده. پس یک سری تمایلات فطری و ذاتی برای هنر و اخلاق و مذهب در درون و باطن و ضمیر ناخودآگاه انسان وجود دارد که ذاتی و امسیل و راستین و اساسی است. این هم نظریه‌ای درباره پیدایش مذهب بود که دیگر از رونق و ارزش افتاده است. ادامه دارد.